

پیشگفتار

تفاوت‌های محیطی موجود ناشی از بستر طبیعی و ساختارهایی است که انسان براساس ایدئال‌های اجتماعی خود بر پهنه محیط طبیعی بارگذاری کرده است. از آنجا که اشکال و ساختارهای فضایی انسان‌ساخت و طبیعی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، بعضی معتقدند نابرابری‌های فضایی حاصل تفاوت در کیفیت و کمیت نهادهای طبیعی محیط است و بعضی دیگر بر این باورند که انسان می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت فکر و تدبیر خود و دستیابی به ابزار و فناوری تا حدودی اثرات بازدارنده محدودیت‌های محیطی و طبیعی را تعدیل یا کاهش دهد. به هر حال چه نابرابری‌های فضایی حاصل تفاوت در کمیت و کیفیت نهادهای طبیعی باشد چه حاصل میزان دستیابی و استفاده انسان از فناوری، باید فضاها را زیست‌انسان در وضعیت یا حالت مطلوبی قرار بگیرند که بتوانند به حیات بهینه خود در طول زمان ادامه دهند؛ یعنی توسعه پایدار.

شناخت و درک چگونگی تأثیرات متقابل بین انسان و طبیعت در دو استان ساحلی شمالی و جنوبی یعنی استان‌های مازندران و هرمزگان موضوع مورد بحث کتاب حاضر است.

بر خود لازم می‌دانیم از همکاری صمیمانه سر‌تپ امیر محمدحسن نامی رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و سرهنگ محمد رمضان‌تشرکنیم. همچنین از آقایان محمدرضا احمدی و ایلیا لعلی‌نیت که در تهیه جدول ضمیمه و نقشه‌های ۱-۲، ۳-۲، ۵-۲، ۶-۲، ۲-۴، ۳-۴ و ۵-۵ نویسندگان کتاب را یاری داده‌اند سپاسگزاری می‌کنیم.

مقدمه

رشته‌های مختلف علوم درك و تعريف يكسانی از واژه فضا ندارند و حداقل اینکه قدرت بیان زبان فارسی در مقابل معادلهای خارجی آن، یعنی *raum* و *space* (آلمانی) هنوز نتوانسته طیف معنایی گسترده این مفاهیم را آنچنان که باید و شاید برای علوم مختلف بیان و روشن کند.

از نظر جغرافی‌دانان فضا در مفهوم کلی خود، میدان عمل تمامی کنشها، واکنشها، اقدامها و فرایندهایی است که به صورت مثبت و منفی در عرصه‌های جغرافیایی صورت می‌گیرد. از این رو یکی از وظایف مهم علم جغرافیا و به پیروی از آن جغرافی‌دانان، پرداختن به ساختارهای فضایی و کشف و بیان علل تفاوت‌هایی است که میان فضاهاى مختلف در مقیاسهای محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، سرزمینی و قاره‌ای وجود دارد.

ساختارهای فضایی حاصل یا برآیند رابطه انسان و محیط هستند که به اشکال مختلف مانند مسکن، کارگاه، کارخانه، مزرعه، شبکه راهها، شبکه‌های آبیاری، فروشگاهها، آموزشگاهها، شهرها، روستاها و دیگر ساخت و سازهای مرتبط با نیازهای اساسی انسان به وجود می‌آیند.

در جغرافیا هنگامی که از یک سامانه طبیعی یا نظام اکولوژیکی صحبت می‌شود، بیشتر بر ماهیت بوم‌شناختی آن یا ماهیت و محتوای طبیعی و محیط طبیعی تأکید می‌شود. در حالی که وقتی از سامانه انسانی یا نظام فضایی سخن به میان می‌آید، مراد مجموعه ساختارهایی است که توسط انسان براساس ایدئالهای اجتماعی‌اش بر پهنه محیط طبیعی بارگذاری شده است. به همین دلیل در جغرافیا از

دو نوع چشم‌انداز یا منظر یاد می‌شود که عبارت‌اند از: چشم‌انداز طبیعی^۱ و چشم‌انداز معیشتی^۲.

اشکال و ساختارهای فضایی که در چشم‌اندازهای معیشتی به وجود می‌آیند با ساختارهای طبیعی یک محیط در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند. بدین معنا که این دو هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و هم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل بعضی معتقدند که نابرابریهای فضایی، حاصل تفاوت در کیفیت و کمیت نهاده‌های طبیعی محیط هستند. بعضی دیگر بر این باورند که انسان می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت فکر و تدبیر خود و دستیابی به ابزار و فناوری، تا حدودی اثرات بازدارنده محدودیت‌های محیطی و طبیعی را تعدیل یا کاهش دهد. توسعه کشتهای گلخانه‌ای در دهه‌های اخیر، نمونه‌ای از تدابیر مهار و تعدیل اثرات محدودکننده محیطی بر گیاهان است.

در مجموع چه نابرابریهای فضایی حاصل تفاوت در کمیت و کیفیت نهاده‌های طبیعی باشد چه حاصل میزان دستیابی و استفاده انسان از فناوری، باید فضاهای زیست انسان در وضعیت یا حالت مطلوبی قرار بگیرند که بتوانند به حیات بهینه خود در طول زمان ادامه دهند. به تعبیر دیگر باید به توسعه پایدار دست یافت.

مشخصات کلیدی پایداری شهری عبارت‌اند از: برابری بین نسلها؛ برابری درون نسلها شامل برابری اجتماعی، برابری جغرافیایی و برابری در حکومت؛ حفاظت از محیط طبیعی؛ استفاده حداقل از منابع تجدیدناپذیر؛ بقای اقتصادی و تنوع جامعه خوداتکا؛ رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد و جامعه (قدمی، ۱۳۸۶، ص ۶۸ به نقل از: Madaren, 1996, p. 185).

1. natural landscape

2. cultural landscape

cultural landscape را برخی چشم‌انداز فرهنگی ترجمه می‌کنند. به نظر ما معادل چشم‌انداز معیشتی مناسب‌تر و نزدیک‌تر به مضمون است. بهترین دلیل آن در مفهوم کلمه agriculture نهفته است که نمی‌توان آن را فرهنگ کشاورزی نامید، بلکه مراد از آن معیشت مبتنی بر کشاورزی است.

کتاب حاضر برای طرح موضوع، دو استان ساحلی یعنی استان مازندران در شمال کشور و هرمزگان در جنوب را به عنوان نمونه‌هایی از مناطق مختلف کشور انتخاب کرده و مورد بررسی قرار داده است. این دو استان ساحلی در موقعیتهای جغرافیایی متفاوتی قرار دارند، لیکن هر دو از قلمروهای آبی و ساحلی گسترده‌ای برخوردارند. پس کرانه‌های سرزمینی آنها را جلگه‌های کم‌عرض و دیواره‌های کوهستانی با شرایط محیطی متفاوت تشکیل می‌دهند. این دو استان نمونه‌های خوبی برای پاسخ دادن به پرسشهای زیر هستند:

۱. چرا فضاهای جغرافیایی دو استانی که هر دو با دریا همجواریند با هم متفاوت‌اند؟

۲. تأثیر شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی بر پراکندگی و اندازه شهرها چگونه است؟ و در نهایت توسعه پایدار شهری آنها در چه وضعیتی قرار دارد؟
 ۳. دولت به عنوان نهاد کارگزار ملی و نهادهای منطقه‌ای آن و بخش خصوصی، در ایجاد تفاوت یا تعادل میان فضاهای جغرافیایی چه نقشی برعهده دارند؟

۴. آیا می‌توان براساس برنامه اندیشیده تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی فضاهای جغرافیایی را تعدیل یا کاهش داد؟ در این صورت چه راهکارهایی را باید مورد توجه قرار داد؟

بر این اساس کتاب حاضر به گونه‌ای تنظیم شده است تا هم از جنبه‌های نظری و هم از جنبه‌های کاربردی افق دید دانشجو را گسترش دهد و بر توان تحلیل، مقایسه و نتیجه‌گیریهای علمی و منطقی وی بیفزاید. برای درک بهتر مفاهیم کتاب از نمودار، جدول، نقشه و ذکر مثالها و طرح پرسش نیز استفاده شده است. تدوین فصول کتاب متناسب با هدف از تألیف آن و جامعه مخاطب به شرح زیر انجام گرفته است:

در فصل اول تعاریف و مفاهیم آمده است و در فصل دوم درآمدی بر شهر و شهرنشینی در ایران به اجمال توضیح داده شده است. فصل سوم به مشخصات کلی

جغرافیای طبیعی ایران اختصاص یافته است. مطالعات تطبیقی میان استانهای مازندران و هرمزگان و بررسی روند و وضعیت شهرنشینی در آنها موضوع فصول چهارم و پنجم کتاب را تشکیل می‌دهد.

امید است مخاطبان و دانشجویان بتوانند برای ارتقای دانش جغرافیایی و ایران‌شناسی خود از کتاب حاضر بهره ببرند.

دکتر پروانه شاه‌حسینی

دکتر محمدتقی رهنمایی